

رمانتیسزم اکولوژیک و کلیشه‌زدایی از آرکی‌تایپ گرگ در سه‌گانه گرگ ماسه‌ای

ناهید دهقانی *

چکیده

پژوهش حاضر، به واکاوی کلیشه‌زدایی از آرکی‌تایپ گرگ در سه‌گانه گرگ ماسه‌ای، نوشته آسا لیند می‌پردازد. گرگ ماسه‌ای در همراهی با دختری خردسال، با گفت‌وگوهای شاعرانه، عاطفی و فلسفی، او را به پرسشگری و بازاندیشی درباره رازهای زندگی فرا می‌خواند. در این سه‌گانه، گرگ — که در بسیاری از روایت‌های کهن با خونخواری، فریبکاری و تهدید شناخته می‌شده است — به موجودی خردمند، مهربان، بازیگوش و آسیب‌پذیر دگرگون می‌شود. پژوهش حاضر با روش کیفی، ماهیت تحلیلی-توصیفی و رویکرد تفسیری-هرمنوتیکی، برپایه مدل شش مرحله‌ای تحلیل تماتیک انجام شده است. پس از کدگذاری واحدهای معنایی، هفت تم اصلی شناسایی شد: گرگ، راهنمای فلسفی و عاطفی؛ گرگ، نماد طبیعت؛ شکستن دوگانه خیر/شر؛ گرگ، آینه رشد کودک؛ طبیعت، پناهی امن و پویا برای ژرف‌اندیشی؛ گرگ، نیروی آفرینشگر کیهانی؛ و سیال‌سازی نقش‌ها و نشانه‌های جنسیتی. بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، کلیشه‌زدایی در این سه‌گانه، بیش از آنکه به فروپاشی دوگانه انسان/غیرانسان انجامیده باشد، به واژگونی و بازآرایی دوگانه‌های سنتی منجر شده است. مفاهیمی مانند «تغذیه کیهانی»، «هیچ‌کاری»، «سکون تأملی» و پذیرش «سایه»، با ارزش‌های اکولوژیک و پسانسانگرایانه همخوانی دارد و زبان شاعرانه، تصویرپردازی طبیعت، عاطفه، شگفتی و ژرف‌اندیشی درباره هستی، سویه غنایی اثر را برجسته می‌کند. با وجود این، آرمانگرایی رمانتیک اثر، گاه پیچیدگی اکوسیستم‌ها، سویه‌های ویرانگر طبیعت و تراژدی‌های انسانی را به زیبایی‌شناسی شاعرانه فرو می‌کاهد؛ از این روی، با اینکه این سه‌گانه، نقد شاعرانه‌ای بر شتاب و مصرف‌گرایی دنیای مدرن است و ظرفیتی برای آموزش ارزش‌های محیط‌زیستی به کودکان و نوجوانان فراهم می‌آورد، برای رویارویی آنان با پیچیدگی‌های جهان معاصر، نیازمند خوانشی انتقادی و متوازن است. از سوی دیگر، نباید تأثیر تفاوت‌های فرهنگی خوانندگان را بر نوع برداشت آنان از این گونه کلیشه‌شکنی‌ها نادیده گرفت.

واژگان کلیدی: آرکی‌تایپ گرگ، اکوکریتیسزم، پسانسانگرایی، کلیشه‌زدایی، گرگ ماسه‌ای.

۱. مقدمه و بیان مسئله

* استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی

ادبیات محیط‌زیستی^۲ کودکان، ابزاری برای نهادینه کردن اخلاق اکولوژیک و فضایی برای رشد عاطفی-شناختی آنان است و در آماده کردن آنان برای رویارویی با چالش‌های چندلایه دوران انسان‌محورانه معاصر^۳ نقش سازنده‌ای دارد (Nikolajeva, 2014; Stephens, 2010)؛ این گونه ادبی، افزون بر کارکرد آموزشی و تربیتی، زمینه‌ای برای شکل‌گیری نگرش‌های تازه درباره طبیعت فراهم می‌کند.

ادبیات کودک باید معیار درستی برای اندیشیدن درباره پاسداشت محیط‌زیست به دست دهد (جعفرقلیان، ۱۴۰۱)؛ اما این رویکرد، با برخی از الگوهای تثبیت‌شده در ادبیات سنتی کودکان تفاوت دارد.

بسیاری از قصه‌های پریان، الگویی روایی برای حرکت خطی از ناسازگاری‌ها به سوی نظم و اخلاق ساده‌انگارانه ترسیم می‌کنند (Zipes, 2012). از این روی، بسیاری از پژوهشگران درباره دسته‌بندی پدیده‌ها به «نیک» و «بد» فرضی و کلیشه‌ای هشدار می‌دهند (Roberts, 2001).

یکی از نمودهای این دوگانه‌سازی، بازنمایی موجودات غیرانسانی در نقش نمادهای خیر یا شر است؛ به گونه‌ای که ویژگی‌های انسانی و داورهای اخلاقی، بر حیوانات فرافکنی^۴ می‌شود و آنان به حاملان معناهای ازپیش تعیین‌شده تبدیل می‌شوند (Mitts-Smith, 2010).

آرکی‌تایپ گرگ، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها در این زمینه است. گرگ در بسیاری از روایت‌های سنتی، با ویژگی‌هایی مانند هراس‌انگیزی و مرگ‌آفرینی بازنمایی شده است. این تصویر، در ادبیات کودک نیز دیده می‌شود؛ اما در ادبیات کودک معاصر، همزمان با گسترش گفتمان‌های محیط‌زیستی و پسانسانگرایانه، تلاش‌هایی برای بازاندیشی درباره این کلیشه‌ها آغاز شده است. در برخی از متون معاصر، گرگ از جایگاه «دیگری خطرناک» فاصله گرفته و به موجودی دارای عاملیت، احساس و حق زیستن تبدیل شده است.

پژوهش پیش رو، به بررسی کلیشه‌زدایی^۵ از آرکی‌تایپ گرگ در سه گانه گرگ ماسه‌ای^۶ می‌پردازد. این سه گانه، اثری در ادبیات اسکاندیناوی معاصر است که با رویکرد کلیشه‌شکنانه، شخصیت گرگ را به موجودی زیبا، دوست‌داشتنی و سرگرم‌کننده دگرگون کرده است. این گرگ رؤیایی و بی‌آزار، آفتاب و مهتاب می‌خورد، با زبان فلسفی و شاعرانه‌ای با ساکارینا، دختر خردسال داستان گفت‌وگو می‌کند و او را به واکاویدن رازهای زندگی فرامی‌خواند.

آسا لیند^۷، نویسنده این سه گانه، اثر خود را با عنوان *Sandvargen* منتشر کرده است. ترجمه فارسی این کتاب، در سه جلد جداگانه با عناوین *گرگ ماسه‌ای*، *تابستان اول* (لیند، ۱۴۰۰ الف)، *تابستان دوم* (لیند، ۱۴۰۰ ب)، و *تابستان سوم* (لیند، ۱۴۰۰ ج)، در دسترس خوانندگان قرار دارد.

2. Ecological literature

3. Anthropocene (عصر انسان‌محور زمین‌شناختی)

4. projection

5. stereotype deconstruction

6. The Sand Wolf

7. Åsa Lind

گرگ ماسه‌ای، با دگرگون کردن یکی از شناخته شده ترین نمادهای ترس و تهدید در ادبیات کودک، زمینه ساز خوانش تازه‌ای از رابطه کودک با طبیعت است. با وجود گیرایی و سویه‌های پررنگ ادبی، فلسفی، تربیتی و محیط‌زیستی، این کتاب در پژوهش‌های موجود، چندان مورد توجه قرار نگرفته و با وجود انتشار برخی پژوهش‌ها درباره این اثر، جست‌وجوی نگارنده برای یافتن پژوهشی که به‌طور مشخص آرکی‌تایپ گرگ و فرایند کلیشه‌زدایی از آن را در این سه گانه بررسی کرده باشد، بی‌نتیجه بوده است. این خلأ پژوهشی، انجام مطالعه‌ای درباره این موضوع را بایسته می‌سازد. پژوهش حاضر کوشیده است، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. کلیشه‌زدایی از آرکی‌تایپ گرگ در سه گانه گرگ ماسه‌ای، چگونه و در قالب چه مصداق‌هایی نمود یافته است؟
۲. این بازنمایی چگونه توانسته است، کلیشه‌های ریشه‌دار تاریخی و فرهنگی را نقد و بازتعریف کند؟
۳. کدام تم‌ها و الگوهای معنایی در این سه گانه، به‌عنوان محورهای کلیشه‌زدایی از آرکی‌تایپ گرگ قابل تفسیر است؟

۲. پیشینه و مبانی نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر یک محور اصلی و چند رویکرد مکمل استوار شده است. محور اصلی پژوهش، کلیشه‌زدایی و بازآرایی آرکی‌تایپ^۸ گرگ در ادبیات کودک است و در کنار آن، به اکوکریتیسیم (بوم‌نقدی)^۹، پسانسانگرایی^{۱۰}، رمانتیسیم اکولوژیک^{۱۱} و مفهوم «سایه»^{۱۲} در روان‌شناسی تحلیلی یونگ نیز پرداخته شده است. در این میان، مفهوم «کلیشه»^{۱۳} و کلیشه‌زدایی، ابزار مفهومی اصلی برای توضیح چگونگی جابه‌جایی گرگ از جایگاه «دیگری خطرناک» به موجودی خردمند و یاریگر است. پژوهش حاضر بر آن است که نشان دهد چگونه یک نماد فرهنگی دیرپا، تحت تأثیر ارزش‌های بوم‌شناختی و پسانسان‌گرایانه معاصر، بازآرایی و بازآفرینی می‌شود.

۱-۲. گرگ، کهن‌الگوی دیرپا و «دیگری» فرهنگی

شاید نماد گرگ بیش از هر حیوان دیگری در فرهنگ‌های گوناگون تنیده شده و نوع نگاه به آن، «ساختار چندسویه‌ای از فرهنگ معاصر» را پدید آورده باشد (Jones, 2010). این چندسویگی از دوگانگی دیرپای میان ترس از گرگ و احترام به آن برآمده است. با وجود برخی استثنایا در اساطیر روم، قبایل بومی شمال اقیانوس آرام و بخش‌هایی از سنت مسیحی، گرگ در بسیاری از فرهنگ‌های کهن نمادی تاریک و شیطانی بوده است (Mitts-Smith, 2010). از این‌رو، رویارویی انسان و گرگ را نمی‌توان تنها به برخورد انسان با یک حیوان شکارچی فروکاست؛ این تقابل بخشی از یک «نبرد فرهنگی» گسترده‌تر است (Lappalainen, 2019).

8.archetype
9.Ecocriticism
10.posthumanism
11.ecological romanticism
12. Shadow
13.stereotype